



رهبان انقلاب در دیدار جمعی از شاعران و اهالی فرهنگ و ادب:

بکوشید شعر فارسی عقیف، حکمت آمیز و امید آفرین باقی بماند



کسب Leader.ir

تئیه‌های امروز

ارزش بازارهای سهام اروپا و آمریکا در پی افزایش تعرفه های متقابل واشنگتن و شرکای تجاری اصلی اش کاهش یافت

آمریکا آغازگر جنگ تجاری جهانی

صفحه ۱۵

انهدام بالگرد آ پاچی و پهپاد سعودی‌ها توسط نیروهای انصارالله

الحدیده با تلاق عربستان و امارات

■ هشتاد غربی‌ها به بن سلمان: پنهان شو!

صفحه ۱۵

کمتر از یک هفته پس از سفر ظرفی به هند ۲ بانک و یک شرکت نفتی هندی ضرب الاجل پایان همکاری با ایران را اعلام کردند

پالس منفی هندی‌ها

صفحه ۲

تغییرات TON بر مبنای شبکه TOR

تلگرام خطرناک تر می‌شود!

صفحه ۳

درباره زیدان و خدا حافظی غافلگیرکننده از رئال مادرید

شوک کهکشانی

صفحه ۱۴

گزارش یک

قرار هر ساله رهبر انقلاب با شاعران و متولیان شعر را بی شک می توان

مهم‌ترین، راهبردی‌ترین و دلنشین‌ترین محفل ادبی در چند دهه اخیر دانست؛ محفلی که در سال‌های گذشته نه تنها صحنه حضور و شعرخوانی شاعران پارسی‌سرای ایران بلکه فرصتی برای همه شاعران پارسی‌سرای دیگر کشورها چون تاجیکستان، افغانستان و هندوستان بوده است و نه تنها برای شعر پارسی بلکه برای شعرهای آذری و گهگاه عربی ایرانیان نیز آغوش گشوده است. محفل بسیار صمیمانه و البته تخصصی که هم معیادگاه شاعران پیشکسوت و سپیدموی بوده و هم دلخوشی شاعران جوان و حتی نوجوانی که نخستین گام‌های خود را در این هنر بی‌بدیل، استوار برداشته‌اند. سابقه این دیدارها به دهه ۶۰ بازمی‌گردد، زمانی که ایشان در کسوت ریاست‌جمهوری نیز وقت معینی را برای دیدار با شاعران برجسته روزگار خود اختصاص می‌دادند و به این بهانه، جویای احوال شاعران دردمند و وارسته و تأثیرگذار می‌شدند و از وضعیت شعر کشور سرعاً می‌گفتند. اما این جلسات صمیمانه که در دهه‌های پیش با تعداد کمتری از شعرا برگزار می‌شد رفته‌رفته با افزایش تعداد شاعران کشور بویژه جوانان و البته افزایش شوق شاعران برای حضور و شعرخوانی را نیز پیدا مسئله موجب شد در سال‌های اخیر قریب به ۲۰۰ شاعر از نسل‌های مختلف و حتی از سایر کشورها در هر دیدار حضور یابند و حدود ۳۰ نفر از این جمع برانگیزه و پرشور توفیق شعرخوانی را نیز پیدا کنند. صلابت رسیدن به این فرصت مغتنم موجب رقابت‌ها و بعضاً دلگیری‌هایی در میان شاعران کشور شده که از جهتی طبیعی است و از جهتی شاید برنامهریزی دقیق‌تر کاهش‌یافتنی باشد.

دیدار امسال نیز از آن دیدارهای خاص، شیرین و به یادماندنی بود. همیشه نخستین سکانس‌های این ماجرا در حیاط بزرگ حوزه هنری رقم می‌خورد و اجتماع شاعران از نقاط مختلف کشور، اقوام متنوع و حتی سایر کشورها کم‌کم این حیاط را خاطر مسازت می‌کند. البته امسال یاد شدید توفان‌گونه‌ای نیز به حیاط حوزه آمده بود که شاید می‌خواست او هم شاعری حماسی باشد در دیدار امسال. البته ظاهراً نتوانست کارت ورود بگیرد و او نیز مانند برخی شاعران که با حسرت برای استقبال دوستان‌شان آمده بودند بازگشت! اندک‌اندک جمع شاعران سوار اتوبوس‌های حوزه هنری می‌شوند تا به محل قرار برسند. پیش از ورود کاروان شاعران به بیت رهبری، زیباترین و شگفت‌ترین صحنه‌ای که به چشم می‌خورد، ۲ دروازه گل کوچک و بچه‌های بازیگوشی بود که دقیقاً مقابل در ورودی بیت رهبر مسلمانان جهان سرگرم فوتبال بودند. این تصویر غیرقابل انتظار و دلپذیر برای من و خیلی‌ها نمادی

گزارش میلاد عرفان‌پور از حاشیه و متن دیدار اهالی شعر و ادب با رهبر انقلاب قرار شاعرانه

بود برای درک بهتر خیلی مفاهیم عمیق که شاید برنامه‌سازان و متولیان فرهنگی کشور با صرف بودجه‌های کلان از انتقال آن درمی‌مانند. کم‌کم باید وارد آن حیاط خاطر‌انگیز و زیبا و کوچک می‌شدیم که نمازخانه شاعران می‌شد. بسیاری از شاعران می‌دانستند پیش از نماز، حضرت آقا دقایقی زودتر تشریف می‌آورند و صمیمانه به دیدارهای رودررو با شاعران میهمان می‌نشینند. همین مسأله موجب شده بود نگاه‌ها به رورودی گوشه حیاط بماند و انتظار لحظه حضور یار را بکشند. بالاخره صدای صلواتی از میان جمع برخاست که لحظه دیدار را مژده دهد. حضرت آقا با چهره همیشه متمسک‌شان آمدند و با شاعران سلام



از احوال‌پرسی کردند. سپس نشستند و حلقه‌ای از شاعران مشتاق دور ایشان شکل گرفت و بی‌صبری آنها برای رسیدن به آن محضر مبارک. علیرضا قزوه، مجری این جلسه در کنار حضرت آقا دوازده نشستند بود و یکی یکی شاعرانی را که خدمت آقا می‌رسیدند معرفی می‌کرد. شاید بیش از ۷۰ شاعر از نسل‌ها، اقوام و کشورهای مختلف در این ۳۰ دقیقه فرصت گفت‌وگو با ولی‌امر مسلمانان جهان را یافتند. مابین این دیدارها حضرت آقا خطاب به استاد گرم‌رودی که مقابل‌شان نشسته بود، گفتند: «ان ماضی مضارعی که فرمودید چه بود؟» گرم‌رودی با لبخند پاسخ داد: «عرض کردم تا نوبت به ما برسد باید با فعل ماضی بگویند فلانی بود!» از شاعری که فرزند شهید مدافع حرم خوزستان، جنامحمد علی پور بود و با عکس پدرش خدمت حضرت آقا رسید تا موسی عصمتی، شاعر روشن‌دلی که برنده کتاب سال نایب‌انیا بود همه و همه بی‌شک در حال گذراندن زیباترین لحظات زندگی‌شان بودند. مهربانی و گشاده‌رویی رهبر انقلاب آشنا و غریبه و مشهور و گمنام هم نمی‌شناخت، با همه بویزه جوان‌ها از همه طیف‌ها با توجه، عطف و احترام روبه‌رو می‌شدند. شاعران ضمن تقدیم کتاب‌های خود یا نامه‌هایی به ایشان گاه تبرکی نیز از ایشان درخواست می‌کردند و

نمی‌آمدند و البته از دوستان ما بودند. این صحبت و مزاح کوتاه آقا نخستین لبخندها را در جلسه ارمغان آورد. قزوه ادامه داد ۲ شاعر بزرگ تاجیک، بازار صابر و مؤمن قناعت نیز امسال درگذشتند. مؤمن قناعت سال گذشته همین جا روی صندلی‌ای که الان آقای کریمی نشسته است نشسته بود. حضرت آقا گفت بگویید بلاتسب! باز خنده بر لب شاعران حاضر آمد. قزوه ادامه داد: در دیدار امسال ۱۲۰ چهره جدید حضور دارند و بیش از ۷۰ درصد از شعرخوانی‌ها از شاعران جدید خواهد بود. علیرضا قزوه، همچنین گفت مرتضی امیری‌اسفندقه امسال در اجرای جلسه به من یاری خواهد رساند. نخستین شعرخوانی را استاد گرم‌رودی با شعری برای جانبازان آغاز کرد:

«شهید زنده‌ای جانبا ز نستوه
صلابت در تنت پیچیده چون کوه
گل خورشید باغ انقلابی
ممعای شکفتن را جویابی
شبی رفتی و بی‌با آمدی روز
به ما هم رسم این رفتن بیاموز...»

استاد کریمی‌مراغه‌ای از شاعران شهر ختله آذربایجان شاعر پیشکسوتی بود که امسال نوبت به شعرخوانی‌اش رسید. کریمی‌مراغه‌ای، مخمسی آذری تقدیم رهبر انقلاب کرد که مصرع آخر بند نام حضرت آقا را در خود داشت. می‌دانستیم حضرت آقا راضی نیستند چنین شعری را در این جلسه خوانده شود. همین بود که بعد از تکرار مصرع ترجیع توسط جمع، آقا تذکر دادند نیاز نیست تکرار کنند. در عین حال حضرت آقا این پیشکسوت مهربان شعر آذری را احترام و تقدیر کردند. مرتضی امیری‌اسفندقه با یک رباعی از سیدحسن حسینی جلسه را به افشین علا سپرد. افشین علا گفت الحمدلله مسزولان فرهنگی ما خانه‌نشین کرده‌اند تا بتوانیم بیشتر شعر بگوییم. حضرت آقا به مزاح فرمودند: «خوب است بگویید این لطف خانه‌نشینی را به دیگران هم بدهند تا بتوانند بیشتر شعر بگویند.»

علا شعری نوجوانانه خواند:
«یک روز پدر به خاطر قرض
با غصه و آه و اخم بسیار
صبحانه نخورده رفت کنجی
تا صبح نشسته بود بیدار...»

حضرت آقا پس از پایان شعر ضمن تشویق و تحسین، اشکال فنی را بر بند نخست وارد دانستند و پیشنهادی فرمودند. قادر طهماسبی (فرید) شاعر مشهور انقلاب اسلامی شعرخوانی بعدی را باید آغاز می‌کرد. فرید از گرفتاری‌های جسمی‌اش گفت و محمدعلی مردانی، طاهره صفرازاده، خلیل جمالی، بهجتی (شفق)، احمد عزیزی، آقاسی، قدسی، صاحبکار و... به اینجا که رسید حضرت آقا گفتند البته این دو نفر آخر که این جلسات را

یادداشت امروز

با سندروم «زندگی تحریمی» چه کنیم؟!

■ حسن رضایی

وابسته شدن اقتصاد کشور به مسائل خارجی، فارغ از اینکه چه دولتی بر سر کار باشد، امری معقول و منطقی نیست. بر همین اساس، خلاف آن چیزی که معمولاً از سوی رسانه‌ها تبلیغ می‌شود، کشورها حتی در باب میزان و چگونگی فعالیت سرمایه خارجی در اقتصادشان هم ملاحظات متعددی دارند و عدم توجه به این مهم را مسأله‌ای در مخاطره قرار دادن امنیت اقتصادی و ملی خود تلقی می‌کنند. با این همه، دولت طی سال‌های گذشته به صورت بی‌ملاحظه‌ای، اقتصاد داخلی را نه به سرمایه که مستقیماً به سیاست(کشورهای خارجی وابسته کرده است. این در حالی است که کارشناسان اقتصادی موافق و مخالف دولت، طی سال‌های گذشته به صورت متفق‌القول و مکرر از تأثیر حداکثر ۲۰ درصدی تحریم‌ها بر اقتصاد ایران سخن گفته‌اند و برخی چون دکتر حسین رافغر این رقم را تا ۵ درصد هم کاسته‌اند.

آنچه مسلم است زیرساخت‌های اقتصادی ایران طی ۵ سال گذشته، تغییر قابل توجهی نداشته است، لذا درصد تأثیر وجود یا عدم تحریم‌ها در حال حاضر نیز تفاوتی با اردیبهشت ماه ۹۲ ندارد. جامعه اما به لحاظ روانی، طی سال‌های گذشته به سندروم «زندگی تحریمی» دچار شده است. سندروم «زندگی تحریمی» را می‌توان نوعی بیماری اجتماعی دانست که جامعه بر اثر ابتلا به آن، بدون آنکه بفهمد، تصمیمات شخصی، شفلی، خانوادگی و سیاسی خود را با ضرابهانگ تحریم‌ها تنظیم می‌کند. ابتدای جامع هدف به چنین سندرومی را می‌توان نهای‌ترین هدف طراحان تحریم‌ها در واشنگتن، لندن و پاریس دانست. هدفی که طی ۵ سال گذشته، به مهم‌ترین هدف برخی در داخل کشور بدل شده است! در واقع، بیماری فوق‌الذکر نسبت مستقیمی با گره زدن آب خوردن مردم به رفع تحریم و شعارهای قدیمی و کلیدی‌تری چون «چرخیدن همزمان چرخ سانس‌تیرفیوژ و چرخ زندگی مردم» دارد.

دولت و رسانه‌های اصلاح‌طلب، متأسفانه طی سال‌های گذشته تمام هم و غم خود را شرطی کردن افکار عمومی نسبت به مسأله تحریم قرار داده‌اند و به نوعی آن را تبدیل به مسأله اول کشور کرده‌اند.

نگاه

مرکز فرماندهی هوشمند و ریکواری سلبریتی‌ها

■ فرهاد ملاهینی

گروه‌های مرجع در جامعه باعث ایجاد یا تسریع تحولات هستند. این گروه از افراد کسانی هستند که می‌توانند بر افکار عمومی اثر گذاشته و ایشان را به سمتی سوق دهند یا از گرایش مردم جامعه به گروه، شخص یا جریانی جلوگیری کنند. یکی از عواملی که موجب می‌شود فردی جزو گروه مرجع به حساب بیاید دیده شدن است؛ پس افرادی که جزو گروه مرجع هستند در بیشتر موارد دارای این خصوصیت هستند که «دیده می‌شوند». البته در اینجا به گروه مرجعی اشاره داریم که مرجعیت‌شان برای عموم اجتناب‌ناک است. به هر روی شاید نیازمند دیده شدن نباشند. به هر روی گروه مرجع همانگونه که از نام و تعریفش پیداست، گروهی مهم در شکل‌گیری جریان‌های اجتماعی به حساب می‌آید. «بازیرگان» یکی از مشهورترین گروه‌های مرجع شمرده می‌شوند که با موضع‌گیری‌های خود بر تحولات تأثیر گذارند؛ از همین رو افراد موثر در فرآیند قدرت هرگز چشم بر بازیرگان و مزایای ایشان در نیل به اهداف خویش نمی‌بندند. چندی قبل عده‌ای از بازیرگان با انتقاد از وضعیت اقتصادی موجود در جامعه مراسم افطار ریاست‌جمهوری را تحریم کردند و با انتشار مطالبی از پشتیبانی خویش نسبت به دکتر روحانی ابراز پشتیبانی کردند. این عمل را که با تاز باب گسترده‌ای میان اقشار مختلف جامعه روبه‌رو شد می‌توان از زوایا و ابعاد مختلف نگریست. عده‌ای بر این باورند بازیرگان تحریم‌کننده مراسم افطاری نمی‌دانستند چه می‌کنند ولی امروز به اشتباه خویش پی برده‌اند و عده‌ای می‌گویند این دسته از بازیرگان به دلیل برخی تغییر و تحولات که به مذاق‌شان خوش نیامده است مانند گران شدن عوارض خروج از کشور و... معترض آقای رئیس‌جمهور شده‌اند؛ ممکن است تحلیل‌ها و نگاه‌های دیگری نیز وجود داشته باشد که ما از آنها بی‌خبریم اما شاید بتوان اینگونه نیز نگاه کرد: یک «مرکز فرماندهی هوشمند» وجود دارد که خوراک دوستان سلبریتی را تأمین می‌کند. این مرکز هوشمند می‌داند هر کس بلیت‌هایی برای خرج کردن دارد حتی سلبریتی‌ها، وقتی ما ایشان را در موضوعی مانند انتخابات خرج می‌کنیم باید دویساره آنها را ریکواری یا تجدید قوا کنیم، یعنی اگر سلبریتی‌ها موثر هستند دلیل آن مردمی بودن ایشان است.